

A Comparative Study on Damage Remedy resulting from Injury in Iranian Criminal Law and International Criminal Law

Received: 14/06/2018; Accepted: 28/01/2019

Majid Karami¹

Ali Mazidi²

Heibatollah Najandimanesh³

Abstract

There are controversies in Iranian law in terms of the existence of Qisas (retaliation in kind) and Diyah (blood money and ransom) as a religious response. Most of the Islamic jurists, based on the jurisprudential foundations, still have not regarded as legitimized that the perpetrators be responsible for damages more than Diyah. In addition to that, the scope of damages remedy has included the indirect victim in Iranian law in limited cases and in international criminal law in a broader way. Albeit, the necessity of full remedy resulting from injuries is of more significance in international criminal law in terms of seriousness, importance and extent. This point is well recognized in the documents of International Criminal Court (ICC) and is paid attention to in the documents of ad hoc international criminal tribunals in a restricted manner. According to the results of this article –that is conducted in a descriptive-analytic method and a comparative way- it appears that in accordance with jurisprudential and legal bases of Iran, compensating the injuries resulting from crimes differs from other offences and does not include the generals of civil responsibility. But through careful consideration of injuries and the related damages, the damages associated with the injury and damages resulting from it, provided that they are independent from injury to one's body or soul and that the criminal be its reason or cause, are capable to compensate more than Diyah and it seems that in international criminal law, all physical and spiritual injuries resulting from crimes are compensable. In same way, the indirect victim is protected as regards compensating for damages resulting from crimes in national and international systems; although this protection is broader in international criminal law.

Keywords: Damage Remedy, Injury, Qisas, Diyah, International Criminal Law, International Criminal Court.



1. Ph. D. Candidate in Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Yazd Branch
2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Science and Art University (Corresponding Author); Email: mazidi_ali_46@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law and Political Science, Allame Tabatabaie University

مطالعه تطبیقی جبران ضرر و جنایات در حقوق ایران و حقوق بین الملل کیفری

تاریخ دریافت ۹۷/۰۳/۲۴ - تاریخ پذیرش ۹۷/۱۱/۰۸

مجید کرمی^۱

علی مزیدی^۲

هیبت‌اله نژندی منش^۳

چکیده

در حقوق ایران به لحاظ وجود قصاص و دیه به عنوان واکنش شرعی در برابر جنایات، اختلافاتی ایجاد شده است. مشهور فقها همچنان بر اساس مبانی فقهی، ضمان مرتکب به خساراتی علاوه بر دیه را مشروع ندانسته‌اند. بعلاوه اینکه گسترده جبران خسارات در حقوق ایران در مواردی محدود و در حقوق بین‌المللی کیفری بصورت وسیع‌تر، بزه‌دیده‌ی غیرمستقیم را نیز شامل شده است. البته ضرورت جبران کامل خسارات ناشی از جنایات در حقوق بین‌المللی کیفری به لحاظ شدت، اهمیت و گستردگی جرائم بین‌المللی از اهمیت بیشتری برخوردار است که این مهم در اسناد دیوان کیفری بین‌المللی به خوبی محقق شده و در اسناد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت در حد محدودی به آن توجه گردیده است. بر اساس یافته‌های این مقاله - که به روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی، صورت گرفته است - به نظر می‌رسد طبق مبانی فقهی و قانونی ایران جبران زیان‌های ناشی از جنایات با سایر جرایم متفاوت بوده و شامل عمومات مسؤولیت مدنی نمی‌شود؛ اما با دقت نظر در جنایات و خسارت‌های مربوط، خسارت‌های همراه جنایت و خسارت‌های ناشی از جنایت به شرط مستقل بودن از صدمه به جسم یا نفس و اینکه جانی علت یا سبب ایجاد آن باشد قابلیت جبران علاوه بر دیه را داشته و به نظر می‌رسد در حقوق بین‌المللی کیفری، تمام زیان‌های مادی و معنوی ناشی از جنایات قابل جبران هستند. به همین شکل، در نظام‌های داخلی و بین‌المللی حمایت از بزه‌دیده‌ی غیرمستقیم در جبران ضررهای ناشی از جنایات بعمل آمده؛ هرچند در حقوق بین‌الملل کیفری این حمایت با وسعت بیشتری صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: جبران ضرر، جنایت، قصاص، دیه، حقوق کیفری بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی.

فصلنامه پژوهش حقوق تطبیقی حقوق اسلام و غرب - سال ششم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۸: ۱۱۱-۱۵۴



۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد.

۲ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و هنر (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: mazidi_ali_46@yahoo.com

۳ استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.



مقدمه

ورود و اثبات زیان از ارکان تحقق مسؤلیت مدنی (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۰۰، باریکلو، ۱۳۸۵: ۶۰، قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۸۴) و جبران خسارات مهمترین هدف این مسؤلیت معرفی شده است. این امر در جبران خسارت ناشی از جنایات با توجه به اختلافات میان حقوقدانان و فقها در تعیین گستره این جبرانها از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

امروزه ضرورت جبران همه زیانهای ناشی از جرم بویژه در جنایات، غیر قابل تردید بوده و باید دانست که جبران ضرر به عنوان یک قاعده کلی مورد اتفاق حقوقدانان بوده و بنای عقلا و قواعد لا ضرر و نفی اضرار و همچنین نفی حرج و تسبیب و عمومات و اطلاعات سایر ادله ضمان، بر این موضوع که هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند، صحه گذاشته و بر این اساس هر صورتی از خسارت و زیان که متوجه جان و یا اطراف انسان و یا مال او شود چه از نوع مادی یا معنوی، باید به وسیله عامل ضرر و در مواردی دولت مورد جبران واقع شوند.

با توجه به وجود قصاص و دیات در ازای جنایات عمدی و غیر عمدی، در خصوص این که آیا علاوه بر قصاص یا دیه می توان جانی را به جبران زیانهایی از قبیل از کارافتادگی و هزینه های درمان و غیره آن الزام نمود یا خیر؟ میان حقوقدانان اختلاف وجود دارد به گونه ای که بسیاری از حقوقدانان، تصریح ادله مبنی بر مقدر بودن دیه را مانع پذیرش خسارت های مازاد بر آن دانسته اند و گروهی نیز با تأکید بر لزوم جبران تمام ضررها، به ضرورت پرداخت خسارت علاوه بر دیه پافشاری نموده اند. برخی از حقوقدانان در پرداختن به موضوع ضمان علاوه بر دیه به ماهیت دیه استناد نموده و بر این عقیده اند که اگر دیه ماهیتاً جبران خسارت تلقی شود بدین معنا بوده که شارع در مقام بیان شیوه ی جبران خسارت به همه ی زیانهای ناشی از جنایت توجه داشته و چون در کار شارع غفلت راه نداشته لذا ضمان علاوه بر دیه را نپذیرفته اند و اگر دیه ماهیتاً کیفر و مجازات قلمداد





شود اخذ هرگونه خسارت مازاد بر ديه با توجه به عمومات ادله ی ضمان و اهداف مجازات‌ها و جبران خسارت، ثابت است. گروهی نیز ديه را دارای ماهیتی دوگانه (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۷۹) دانسته از یک سو واجد جنبه کیفری است و موجب تنبه و بازداشتن از ارتکاب جنایت می‌شود و از طرف دیگر برخوردار از وجهه مدنی است زیرا به وسیله آن خسارت وارده بر مجنی علیه جبران می‌شود و این گروه مقدر بودن ديه را مانع جبران زیانهای علاوه بر ديه ندانسته و معتقدند ديه حداقل ضرر ناشی از جنایت بوده که به عنوان مجازات جانی و تشفی خاطر بزه دیده لحاظ شده و جبران سایر خسارت‌های مازاد را فاقد هرگونه تعارضی با مقدر بودن ديه دانسته‌اند.

گروهی نیز بدون توجه به ماهیت و چیستی ديه معتقدند ضررهای ناشی از جنایات را باید با توجه به موقعیت آن‌ها نسبت به جنایت سنجید و پس از توجه به ديه و یا قصاص و اینکه با این دو، ضرر جبران یافته یا خیر در جهت مسئولیت مجرم در جبران یا عدم جبران زیانهای دیگر اظهار نظر کرد.

در این میان توجه به مقررات بین‌المللی در خصوص جبران ضرر و زیانهای ناشی از جنایات حائز اهمیت بوده زیرا هم نتیجه اندیشه حقوقی چندین کشور بوده و می‌تواند به عنوان یک منبع مترقی و معتبر جهانی مورد توجه حقوقدانان داخلی باشد و هم به لحاظ اجرای آنها در دیوان بین‌المللی کیفری، امکان اینکه تبعه ایرانی گرفتار رسیدگی در این مرکز شود و یا با ارجاع وضعیتی از سازمان ملل، ایران گرفتار موضوعات رسیدگی در دیوان باشد ضرورت آگاهی از مقررات آن اجتناب‌ناپذیر بوده بعلاوه اینکه امکان الحاق ایران به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری چندان بعید نبوده و بر این اساس در این مقاله ضمن بررسی جبران ضرر ناشی از جنایت در حقوق کیفری ایران، مقررات بین‌المللی مربوط به جبران ضرر ناشی از جنایات مورد توجه قرار گرفته است.

اگرچه در زمینه ضررهای ناشی از جنایات پژوهش‌هایی انجام شده اما در این تحقیق برای اولین بار مقایسه وضعیت جبران ضرر ناشی از جنایات در نظام کیفری داخلی و بین الملل کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرد و به دنبال یافتن پاسخ به چنین ابهاماتی هستیم که در نظام حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی تا چه اندازه زیانهای ناشی از جنایات قابل





جبران هستند؟ آیا در حقوق کیفری ایران قصاص یا دیه حسب مورد جبران تمام خسارات ناشی از جنایات است؟ آیا در نظام کیفری ایران و بین المللی کیفری؛ بزه دیده غیر مستقیم در جهت جبران خسارات ناشی از جنایات حمایت می‌شود؟ برای رسیدن به مقصود، تحقیق به چهار قسمت تقسیم شده؛ در قسمت اول، مفاهیم و تعاریف مورد بررسی قرار گرفته، سپس در قسمت دوم، بررسی ضرر ناشی از جنایات در حقوق کیفری ایران و در قسمت سوم، بررسی ضرر ناشی از جنایات در حقوق بین الملل کیفری و نهایتاً در قسمت چهارم، نتیجه مربوط به پژوهش را ذکر نموده‌ایم.

۱. مفاهیم و تعاریف

۱-۱. مفهوم ضرر

مطابق معمول بررسی مفهوم ضرر برای ورود به بحث اجتناب ناپذیر است زیرا بدون تبیین مفهوم ضرر، بحث راجع به جبران، فایده مؤثری نداشته و برای درک مفهوم ضرر طبق معمول لازم است معنای لغوی و اصطلاحی ضرر را مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۱-۱. معنای لغوی ضرر

از حیث لغوی ضرر (به فتح ضاد وراء) به معنی زیان می‌باشد. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۲۶۴). همچنین در معنای ضرر، چنین آمده است: "صدمه، زیان، خسارت، آسیب و گزند" (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۳۷). جوهری در «صاح اللغه» و امام خمینی در الرسائل، ضرر را خلاف نفع می‌دانند (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۲۰). (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۸) و صاحب قاموس قرآن آن را «ضد نفع»، «سوء حال» (قریشی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۹) و بالاخره اصفهانی در مفردات راغب به سوء حال اعم از اینکه سوء حال نفس به خاطر قلت علم و فضل یا سوء حال بدن به خاطر فقدان عضوی از اعضاء و یا به خاطر قلت مال و آبرو معنی کرده‌اند (اصفهانی، ۱۳۶۹: ۱۷۷)

۱-۱-۲. معنای اصطلاحی ضرر

در معنای اصطلاحی ضرر گفته‌اند: «کاستن از دارایی شخص و پیش‌گیری از فزونی آن» و «از دست دادن توان کار کردن» (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۴۳). و یا «ممانعت از وجود





پیدا کردن نفعی که مقتضی وجود آن حاصل شده» است. (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۴۱۵) و نیز بیان شده که ضرر در تفاهم عرف نقص مالی یا آبرویی یا جانی و هر ضرر دیگری است که درباره بعدی از ابعاد وجود و هستی شخص باشد، «به شرط اینکه مقتضی قریب آن تحقق یافته باشد...» (مدرسی، ۱۳۷۰: ۲۱)

موانعی آيات جلد قرآن، آيات قبل برود و تحقق اين اصل

یکی از فقها در تبیین معنای ضرر بیان کرده: «وان الضرر موضوع عرفی فالازم الاخذ منه. ضرر موضوع عرفی است که بر مبنای عرف باید مصادیق آن تعیین گردد.» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۰: ۵۵) در بیانی دیگر آمده: بحث در اینکه چه چیزی ضرر است و چه چیزی ضرر نیست بحث حقوقی و فقهاتی نیست بلکه یک بحث مربوط به لغت و عرف است. عرف هر چیزی را ضرر بداند آن ضرر است (بهرامی احمدی، ۱۳۷۷: ۱۳۹) بنابراین ضرر یک مفهوم عرفی و از امور بدیهی بوده و نیاز به تعریف ندارد. هر چند عده‌ای از حقوقدانان کوشیده‌اند آن را تعریف نمایند و گفته‌اند: «هر جا که نقص در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه‌ای وارد آید می‌گویند ضرری به بار آمده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۸) و یا آن را نقصان در نفس، مال یا عرض یا اعضاء تعریف کرده‌اند. (آخوند خراسانی، ۱۳۸۰: ۴۳۱) و برخیا توجه به عرفی و بدیهی بودن مفهوم ضرر، به صراحت بیان کرده‌اند: «خسارت تعریف قانونی ندارد» (لنگرودی، ۱۳۷۵: ۲)

بنا بر آنچه گفته شد از آنجائی که ضرر از بدیهیات، بوده و مفهوم آن نزد عرف روشن است؛ نه تنها در قوانین مدونه از آن تعریفی به عمل نیامده بلکه صاحب نظران نیز تعریف دقیقی از آن ارائه نداده‌اند. در مواد (۵۱۹-۵۲۲) ق. ا. د. م. مصوب: ۱۳۷۹ صور امکان حصول ضرر بیان شده ولی تعریفی از ضرر ارائه نگردیده و فقط مصادیقی از ضرر با توجه به منشأ آن بیان، سپس مصادیق خسارت دادرسی احصاء گردیده است. اما شاید بتوان جهت تبیین موضوع، چنین تعریفی ارائه دهیم:

تلف، کسر یا نقصان در مال و سرمایه مادی و معنوی و یا وجود مانع بر راه افزایش سرمایه و یا اثر صدمات به جسم و جان را ضرر می‌گویند.

برای تبیین معنای ضرر در حقوق بین المللی کیفری نیز باید اشاره کنیم که:





در اساسنامه رم (۱۹۹۸) نیز از واژگان damage، loss و injury سخن به میان آمده است. Injury در اصطلاح حقوقی عبارت است از: نقض حق قانونی فرد که قانون برای آن راهکار جبران در نظر گرفته است. برخی از صاحب نظران بین injury و harm تفاوت قایل می شوند. از نظر آنها harm شامل هر نوع ضرر ریازی می شود، در حالی که injury شامل هر گونه تعرض قابل ادخواهی به نفع حمایت شده به وسیله قانون است. (Garner, 2009: 856)

Harm از نظر حقوقی عبارت است از damage، loss، injury یا زیان مادی یا قابل لمس. بنابراین، از نظر حقوق کامن لا ضرر، زیان و خسارت همه در یک معنا می باشند (Garner, 2009: 784). در نهایت، می توان گفت در پژوهش حاضر، خسارت و ضرر در یک معنا به کار گرفته شده است. در نتیجه از نظر اساسنامه دیوان سلب حیات فرد، از دست دادن سلامتی جسم، نقص در اموال، از دست دادن منفعت مسلم، از بین رفتن حیثیت و اعتبار شخص، لطمه به عواطف شخصی، خانوادگی، ملی و مذهبی فرد و از دست دادن هر گونه سرمایه و دارایی و حقی که شخص واجد آن بوده و از آن بهره مند بوده است یا اقتضای بهره مندی آن در نزد عرف وجود دارد، از جمله مصادیق خسارت و ضرر می باشند.

نکته حایز اهمیت دیگر در این قسمت این است که باتوجه به بکارگیری واژه های ضرر و زیان و خسارت در موادی از قانون داخلی، آیا این واژه ها باهم متفاوتند یا در یک معنا بکاررفته اند؟ برخی از حقوقدانان در این زمینه نوشته اند: «در عرف قضایی کشور ما اصطلاح «ضرر و زیان» بدون اینکه هر یک از کلمات آن دارای آثار حقوقی ویژه ای باشد متداول شده و در اغلب نوشته های حقوقی و قضایی و حتی در متن بعضی از قوانین دیگر نیز با همین ترکیب به کاررفته و مصطلح شده است» (آخوندی، ۱۳۶۸: ۲۷۲).



۱ به عنوان مثال در مواد: ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری عناوین «ضرر و زیان» و در ماده ۱۴ این قانون «ضرر و زیان و خسارت» باهم به کاررفته است. این نوع به کارگیری واژه های مترادف در نگارش قانون این اندیشه را بوجود می آورد که قانون گذار برای این واژه ها معانی متفاوتی قائل است.



بنابراین با تأمل در معنای واژه های ضرر و زیان در مواد قانون، تفاوتی دیده نمی شود، و باید گفت ضرر و زیان ترکیب مصطلحی بوده که در قوانین ما یک معنا داشته و استعمال این الفاظ مترادف در قانون را باید بر تسامح در مقام نگارش قانون حمل کرد.

اما در خصوص ضرر و زیان و خسارت، برخی در این خصوص نظر بر این دارند که « ضرر و زیان و خسارت با هم تفاوت دارند » (معصومی، ۱۳۹۶: ۱۱۶) یعنی خسارت دارای معنای گسترده تری نسبت به ضرر و زیان است؛ ضرر و زیان به آثار فعل مجرمانه اطلاق می شود نه اصل آن، ولی خسارت در بیان حقوقی شامل همه ی زیان های حاصله، اعم از اصل و فرع می باشد.

برخی از حقوقدانان نیز این گونه بیان کرده اند: «عرفاً دو مفهوم خسارت و ضرر، مترادف هم دانسته شده اند، هر جا نقصی در اموال ایجاد شود و یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه ای وارد آید می گویند ضرری به بار آمده است.» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۴۵)

در قانون مدنی ایران هنگامی که از خسارت ناشی از عدم ایفاء تعهد یا جبران خسارت سخن به میان می آید، منظورشان زیان وارد شده و هنگامی که از تأدیه خسارت بحث می کنند منظورشان جبران ضررهای وارد شده می باشد (مواد ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۲۹، قانون مدنی) (امامی، ۱۳۶۶: ۴۰۷).

در قانون آیین دادرسی مدنی نیز اشاره شده است:

«خسارات دادرسی عبارت اند از هزینه دادرسی و حق الوکاله و کیل و هزینه های دیگری که به طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است از قبیل حق الزحمه کارشناسی و هزینه تحقیقات محلی»!

بنابراین ضمن توجه به نظریات فوق و اینکه در فرهنگ فارسی واژه ضرر با واژه خسارت هم معنا و مترادف قلمداد شده است؛ آنگارنده بر این باور است که ضرر و خسارت همان گونه که قانون گذار در اصل (۱۷۱) از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران





و در بسیاری از مواد قوانین مختلف عادی برای ارائه مفهوم خسارت از واژه‌ی ضرر استفاده کرده است؛ دو واژه مترادف بوده و تفکیک میان آنها چندان فایده علمی نداشته باشد.

۱-۲. حقوق کیفری بین‌الملل

در خصوص حقوق بین‌المللی کیفری نظریات و عقاید بسیاری وجود دارد؛ به طوری که برخی اساساً مخالف وجود حقوق بین‌الملل هستند و برخی آن را برای نظم جامعه جهانی و اجرای عدالت یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌دانند.

تردید در مورد وجود رشته حقوق بین‌المللی کیفری ناشی از این است که این رشته تلفیقی از دو رشته حقوق کیفری و حقوق بین‌الملل است که اولی یک سیستم عمودی مبتنی بر تصمیم‌گیری از بالا به پایین و به صورت اجباری است در حالی که دومی به صورت افقی و بر مبنای رضایت دولت‌هایی است که به خاطر حق حاکمیت خود مقام تقنینی یا اجرایی بالاتری را قبول نداشته و وجود حقوق کیفری با خصوصیات آن را که به صورت بین‌المللی بر دولت‌ها اجرا شود را متعارض با حاکمیت‌های مساوی دولت‌ها دانسته‌اند.

اما برخی به این ایراد پاسخ داده‌اند که: اگر دولت‌ها به وسیله حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهداتی استقلال خود را محدود کرده و بپذیرند که برخی از اعمال آنها و رفتار افراد تحت تابعیت آنها، ممکن است یک جرم بین‌المللی محسوب گردد. این امر با حق حاکمیت آنها تعارضی نخواهد داشت (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲: ۲۱) و با پذیرش چنین استدلالی وجود حقوق بین‌المللی کیفری امری روشن و بدیهی است.

برخی دیگر از حقوقدانان نیز ضمن پذیرش وجود رشته حقوق جزای بین‌الملل تفکیکی قائل شده و بیان کرده‌اند حقوق جزای بین‌الملل با حقوق بین‌الملل جزایی دو رشته متفاوت بوده و تفاوت میان آنها را نمی‌توان یک تمایز ظاهری یا لفظی دانست. (پور بافرانی، ۱۳۸۷: ۶) و بر همین اساس حقوق جزای بین‌المللی را مجموعه مقررات منبعث از حقوق داخلی کشور دانسته‌اند و حقوق جزای بین‌المللی را یکی از شاخه‌های اصلی و تخصصی حقوق جزای داخلی محسوب کرده‌اند.

همچنین در تعریف حقوق جزای بین‌الملل گفته شده: «رشته‌ای است از حقوق جزا که عنصر خارجی در آن مطرح باشد. این عنصر اعم است از محل وقوع، مرتکب، مجنی علیه





یا ارزش‌های مورد حمایت، بدین ترتیب در حقوق جزای بین‌المللی مسئله اجرای بین‌المللی حقوق کیفری داخلی مطرح است.» (آزمایش، ۱۳۵۶: ۱۰۱) و در مقابل حقوق بین‌الملل جزایی را مقررات منبعث از مقررات بین‌المللی دانسته‌اند و از این قبیل مقررات حاکم بر دادگاه‌های بین‌المللی کیفری موقت و نیز دیوان بین‌المللی کیفری را اشاره داشته‌اند که این قسمت را کاملاً منبعث از حقوق بین‌المللی دانسته‌اند.

برخی دیگر از حقوق‌دانان بدون اشاره به تفکیک حقوق جزای بین‌الملل و حقوق بین‌الملل جزایی اصطلاح حقوق جزای بین‌الملل را واجد سه معنا دانسته‌اند: (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۱۹) (مؤمنی، ۱۳۹۰: ۱۹)

۱. جنبه‌های بین‌المللی حقوق جزای داخلی؛ بدین معنا که حقوق داخلی با عنصر خارجی مواجه خواهد شد.

۲. جنبه‌های جزایی حقوق بین‌الملل؛ منظور اصول و قواعد حقوق بین‌الملل است که برای دولت‌ها الزاماتی را در مورد محتوای حقوق جزای داخلی آن‌ها ایجاد می‌کند، مثلاً در مقررات داخلی خود برخی از جرائم برخوردار از خصیصه بین‌المللی را مجازات نمایند.

۳. حقوق جزای بین‌المللی به معنای خاص و دقیق کلمه و این یعنی یک محکمه کیفری بین‌المللی در صورت وجود باید این مقررات را اعمال نمایند.

به‌عنوان نتیجه بحث باید گفت:

امروزه پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در مورد تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی موقت و تشکیل محکمه کیفری بین‌المللی دائمی به وجود آمده است. آنچه در این میان خیلی جلوه می‌نماید این است که از میان ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم، ۱۲۰ کشور اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را امضاء و تأیید نموده^۱ و ۳۳ کشور رأی ممتنع و تنها ۷ کشور رأی منفی داده‌اند، با این روند دولت‌ها بخشی از حق حاکمیت خویش را به

۱. البته این آمار مربوط به هفده سال پیش است. تا مارس ۲۰۱۶ تعداد کشورهای ملحق شده به اساسنامه رم به ۱۲۴ کشور افزایش یافت ولی با خروج کشور برون‌دی از اساسنامه اکنون این آمار ۱۲۳ کشور می‌باشد. برای مطالعه بیشتر به سایت زیر مراجعه شود:

https://en.wikipedia.org/wiki/States_parties_to_the_Rome_Statute_of_the_International_Criminal_Court





محکمه بین‌المللی کیفری اعطاء نموده‌اند، به امید اینکه جنایت‌کاران بین‌المللی بدون مجازت نمانده و اجرای عدالت روند بین‌المللی بگیرد.

در چنین شرایطی پایان دادن به تردیدها در خصوص وجود حقوق کیفری بین‌الملل و به رسمیت شناختن آن امری پذیرفتنی است به‌علاوه اینکه حقوق کیفری بین‌الملل واجد سه معنای ذکرشده بوده که فعلاً در این مقاله حقوق کیفری بین‌المللی به معنای خاص آن یعنی وجود مقرراتی که یک محکمه کیفری بین‌المللی آن را اعمال کند، مورد نظر نگارنده بوده است.

۲. جبران ضرر ناشی از جنایت در حقوق کیفری ایران

۲-۱. جنایت و خسارات‌های همراه آن:

گاهی مرتکب جنایت چه به مباشرت و چه تسبیب ممکن است ضمن جنایت و صدمه به جسم یا جان ضررهای مالی نیز ایجاد نماید به‌نحوی که از جنایت علاوه بر صدمات به نفس یا جسم خسارات مالی نیز به وجود آید به‌گونه‌ای که فعل مرتکب علت برای هردوی آنها باشد مانند آنکه کسی شکارچی را از بلندی پرت کند و ضمن صدمه به جسم، سلاح او نیز شکسته و تخریب شود و یا اموال همراه او تلف شوند و یا چاقوکشی که علاوه بر ایجاد جراحت بر جسم، لباس مجنی علیه را نیز پاره نماید. در این موارد و مشابه آنها علاوه بر قصاص یا دیه حسب مورد جبران خسارات مادی واردشده مورد اتفاق بوده و این امر در قانون مجازات اسلامی مطابق مواد (۵۰۹، ۵۱۱-۵۱۲-۵۱۶ و ۵۱۷) ثابت شده به‌گونه‌ای که واژه خسارت را برای ضررهای مالی و واژه‌های «تلف»، «آسیب»، «نقص عضو» را برای جنایات بکار گرفته است. بدیهی است در این موارد با فعل مرتکب دو نتیجه حاصل شده که یکی صدمه به جسم است و به ازای آن قصاص یا دیه به‌عنوان واکنش مقدر شرعی مقررشده و دیگری خسارت به اموال که مستقل از صدمه به جسم می‌باشد و اینجا تعدد نتیجه تعدد ضمان مرتکب را می‌طلبد که البته همان‌طور که بیان شد همه بر این امر اتفاق نظر دارند.



۲-۲. جنایت و خسارت‌های متأثر از آن

گاهی زیانهای مالی از آثار جنایت واقع شده بوده به گونه‌ای که زیانهای مالی مشروط یا متأثر از جنایت واقع می‌گردد و جنایت به‌عنوان سبب یا شرط در زیان مالی دخالت دارد یعنی جنایت که خود نتیجه فعل مرتکب است در ایجاد نتیجه‌ای دیگر بنام خسارت نقش یابی می‌کند مانند جنایت بر زبان که خود باعث زوال منفعت چشایی نیز بشود و یا جنایت بر صورت که باعث از بین رفتن زیبایی نیز شود و یا جنایت بر جسم به‌نحوی که باعث صرف هزینه‌های مالی مختلف جهت ترمیم و یا کاهش آثار آن شود و ... در این موارد بحث است که آیا می‌توان علاوه بر قصاص یا دیه به‌عنوان ضمان مقدر سایر هزینه‌ها و خسارات را نیز جبران نمود؟ یا اینکه باید به همان ضمان مقدر اکتفا نمود؟

برای یافتن پاسخ باید دانست که خسارت‌هایی که به دنبال و متأثر از جنایت حاصل می‌شوند عبارت‌اند از: ۱- صدمه به جان و عضو و منفعت ۲- خسارت‌های غیر قابل تفکیک از صدمات جسمانی ۳- خسارت‌های قابل تفکیک از صدمات جسمانی؛ که به شرح این سه، بصورت مختصر خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱. صدمه به جان و عضو و منفعت^۱

در میان خسارت‌های قابل جبران، خسارت‌های جسمی یا بدنی بخاطر وجود واکنش‌های شرعی قصاص یا دیه واجد شرایط خاصی بوده؛ این خسارت‌ها عبارتند از نتیجه جنایاتی که در قالب قتل، ضرب و جرح، قطع یا نقص عضو، زوال بینایی یا شنوایی و ... مورد بحث قرار می‌گیرند.

دیه به‌عنوان یکی از نهادهای شرعی، جبران و مابه‌ازای نفس، عضو یا منفعت از دست رفته است (ره پیک، ۱۳۸۸: ۶۴) اگر جنایتی واقع شود و صرفاً از بین رفتن نفس یا نقص یا تلف عضو یا منفعتی باشد، دیه، مکانیسم شرعی مقدر جبران خسارت محسوب می‌شود؛ در تأیید مابه‌ازاء بودن دیه آمده: «ان الدیه عوض شرعی عن مافات بالجنایه» (شیخ انصاری، ۱۴۱۹: ۱۴۱) و قانون‌گذار ما نیز بر همین مبنا در ماده (۱۷) قانون مجازات اسلامی چنین

۱. مطابق ماده ۲۸۹ (ق.م.مصوب ۱۳۹۲)- جنایت بر نفس، عضو و منفعت، بر سه قسم عمدی، شبه عمدی و خطای محض است.





مقرر داشته: «دیه اعم از مقدر و غیره مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیره عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود.»

بنا به گفته‌های فوق چنین برداشت می‌شود که دیه در برابر جنایت است و جنایت عنوانی است برای تلف نفس و یا صدماتی که بر اعضا و جوارح وارده شده یعنی جنایت نتیجه فعل مرتکب است که بر مجنی علیه واقع شده و دیه در برابر این نتیجه مقدر شده نه بر فعل مرتکب، زیرا فعل مرتکب قبل از نتیجه است و ممکن است این فعل گاهاً مشروع باشد و قابل مجازات نباشد؛ و دیه ما به ازای این نتیجه یعنی صدمه به نفس یا اطراف می‌باشد و در برابر فعل مرتکب که قبل از نتیجه است و اقدامات و اعمال بعد از تحقق نتیجه اگرچه مرتبط با صدمات باشد نمی‌باشد.

بنابراین دیه مال است اما در برابر نفس (الطریحی، ۱۴۰۸، ج: ۱، ۴۱۶) یا عضو است (جرجانی، ۱۳۰۶: ۱۱۲) با این وصف ضررهایی مانند: قتل، ضرب و جرح، قطع یا نقص عضو، زوال بینایی یا شنوایی و مانند آن‌ها، از جنایات، به وسیله قصاص یا دیه حسب مورد جبران می‌شوند زیرا قصاص یا دیه واکنش مقدر شرع و قانون‌گذار در برابر صدمات به نفس و جسم است و با جبران آن وجهی جهت جبران مجدد باقی نمی‌ماند.

۲-۲-۲. خسارت‌های غیر قابل تفکیک از صدمات جسمانی:

این خسارت‌ها به گونه‌ای هستند که امکان تفکیک آنها از صدمه جسمی وجود ندارد و با وجود صدمه جسمی این ضررها نیز ایجاد می‌شوند و فی الواقع این زیانها اثر بدیهی این صدمات است و جزء نتیجه قلمداد می‌شوند و این خسارت‌ها نیز مستند به مرتکب صدمات جسمی بوده و به لحاظ جدایی‌ناپذیری آن از صدمات جسمی مجموعاً یک نتیجه برای جنایت تلقی شده که دیه در برابر آن جعل شده، مانند جنایت بر زبان که باعث قطع زبان و منفعت چشایی و نطق شود؛ یعنی اگر کسی زبان دیگری را قطع کند جز یک دیه بر عهده او نخواهد بود و به سبب زوال منفعت آن (حس چشایی یا نطق) که از تبعات ناگزیر و بدیهی قطع زبان است نمی‌توان دوباره وی را ضامن شناخت (موسوی خمینی، ۱۴۰۴:

(۵۹۲).





نمونه ای دیگر از خسارات غیر قابل تفکیک از صدمات جسمی، جنایت بر چشم و از بین رفتن بینایی است؛ که قانون‌گذار در ماده (۶۹۲) قانون مجازات اسلامی آورده: از بین بردن یا بیرون آوردن چشم از حدقه، فقط یک دیه دارد و از بین رفتن بینایی دیه دیگری ندارد لکن اگر در اثر صدمه دیگری مانند شکستن سر، بینایی نیز از بین برود یا نقصان یابد، هر کدام حسب مورد دیه یا ارش جداگانه دارد» زیرا بینایی منفعتی است که وابسته به وجود چشم است و در صورت جنایت بر چشم قابل تفکیک از صدمه جسمی نیست تا دیه جداگانه ای بر آن جعل شود و شارع با لحاظ آنها یک دیه را جعل کرده و در چنین مواردی به لحاظ حاکم بودن ادله دیه بر قانون مسئولیت مدنی باید قائل به تخصیص مقررات مسئولیت مدنی باشیم و نمی‌توان به عموماًت مربوط به جبران خسارت و یا قانون مسئولیت مدنی تمسک جوئیم یعنی تلف شدن چشم جنایتی است که اثر نوعی آن از بین رفتن بینایی است و دو جنایت محسوب نمی‌شود، بلکه شارع با لحاظ این موضوع که ضایع شدن چشم اثر بدیهی آن از بین رفتن بینایی فرد است بر آن دیه مقدر کرده و با دیه، خسارت جنایت جبران شده می‌باشد.

۲-۳. خسارت‌های قابل تفکیک از صدمات جسمانی:

این خسارت‌ها جزء لاینفک نتیجه نیستند اگرچه به دنبال جنایت و در اثر آن حاصل می‌آیند، مانند هزینه‌های درمانی و افزایش مخارج زندگی و یا هزینه‌ترمیم عضو صدمه‌دیده. روشن است که مسئولیت بزهکار در قبال این خسارت‌ها چیزی جدای از دیه می‌باشد البته با این شرط که دخالت جانی در وقوع این خسارت‌ها به نحو مباشرت یا تسبیب باشد و اگر جنایت تنها شرط برای ایجاد خساراتی دیگر باشد به علت عدم استناد خسارت به جانی، وی مسئولیتی در جبران نخواهد داشت به‌عنوان مثال زیان‌هایی که بزه دیده در مقام درمان خود متحمل می‌شود از مصداق‌های بارز زیان‌هایی است که به دنبال جنایت حادث می‌گردند و در صورت وجود دو شرط اساسی علاوه بر دیه قابل جبران می‌باشند ۱: اسناد هزینه‌های درمان به جانی ۲: احراز تعدد موضوع ضمان (صادقی، ۱۳۹۵:



۱. برای مطالعه بیشتر ر-ک به: نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۳۰۱



۲۷) یعنی باید بتوان جانی را مباشر یا سبب در ایجاد هزینه‌های انجام شده دانست اگر دخالت جانی فقط به نحو شرط باشد تصور ضمان جانی نسبت به این هزینه‌ها را باید منتفی دانست و همچنین باید محرز شود هزینه‌های درمانی ضرر مستقلاً بوده که با پرداخت دیه یا اجرای قصاص جبران نشده و تعدد ضرر و زیان‌ها تعدد ضمان را ایجاب نماید.

بنابراین در این قسمت میتوان گفت اگر در اثر وقوع جنایات، علاوه بر زیانهای صدمه به جان، عضو، و منافع، خساراتی راجع به اموال، اشیاء یا عدم النفع پیش آید بر اساس قواعد اتلاف و تسبیب و قاعده لا ضرر و قانون مسؤولیت مدنی قابلیت جبران دارند.

بعد از ذکر تقسیم فوق، در شرح موضوع پذیرش یا عدم پذیرش خسارات علاوه بر دیه، لازم است اشاره کنیم که برخی از فقهای معاصر همچون محمد تقی بهجت و علی حسینی سیستانی بر عدم جواز مطالبه خسارت علاوه بر دیه از جمله هزینه‌های درمان نظر داشته‌اند (نقل از بابایی، ۱۳۸۱: ۶۹). برخی از فقها (موسوی خویی، ۱۹۷۶: ۴۴۳) ادعای اجماع بر ضمان نبودن جانی نسبت به هزینه‌های درمان داشته‌اند و دیگر از فقهای معاصر (مکارم شیرازی، ۱۴۹۲: ۱۳۶-۱۳۵ و ۱۴۳) معتقد است که در کتاب و سنت در برابر جنایات به قصاص یا دیه اکتفا شده است و بر سقف بودن دیه نظر داده‌اند و آن را تمام چیزی دانسته‌اند که مجنی علیه به سبب جنایت استحقاق دارد. زیرا فقهاء از در مقام بیان بودن شارع در هنگام بیان صور خاص جبران زیان‌های ناشی از جنایت و عدم تصریح به جبران خسارت‌های مادی یا معنوی دیگر چنین نتیجه گرفته‌اند که این عدم تصریح شارع خود به معنای عدم ضمان مرتکب علاوه بر قصاص و یا دیه است. در مقابل عده‌ای از فقهاء (کلینی، ۱۳۶۷: ۳۶۵) (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۷۰) با ذکر روایت "عن ابی مریم عن ابی جعفر علیه السلام قال قضی امیر المومنین علیه السلام انه لا یحمل علی العاقله الا الموضحة فصاعدا و قال ما دون السمحاق اجر الطیب سوی الدیه" و تصریح به اجرت طیب، مازاد بر دیه در این روایت؛ در پی توجیه ضمان مازاد بر دیه رفته‌اند. همچنین دسته‌ای از فقهاء (شیخ فاضل تونی، ملا احمد نراقی، میر عبد الفتاح مراغه‌ای)، حدیث "لا ضرر" را اینچنین تفسیر نموده که یعنی نهی اضرار به غیر و یا نفی ضرر غیر متدارک در اسلام و اشاره داشته‌اند که "لا ضرر و لا ضرار" جمله نکره‌ی منفیه‌ای است که در ادبیات عرب





افاده عموم می کند، فلذا این حدیث شامل تمام اقسام ضرر و زیان می شود (بهرامی احمدی، ۱۳۷۷: ۲۳۹) و ضمن پذیرش عرفی بودن مفهوم ضرر قابل به لزوم جبران کلیه خسارات شده اند! با توجه به اینکه هدف این پژوهش بحث تفصیلی راجع به پذیرش یا عدم پذیرش خسارت علاوه بر دیه نیست و هدف اصلی تطبیق وضع موجود مقررات داخلی با حقوق بین المللی کیفری است و موضوع خسارات علاوه بر دیه به عنوان پیش نیاز رسیدن به هدف اصلی تحقیق است، لذا از تفصیل بحث و نقد نظر موافقین و مخالفین خودداری می شود. لکن در موقعیت فعلی، فقها مکانیسم جبران ضرر در جنایات را همان قصاص یا دیه دانسته و ضمانی اضافه بر آنها برای جانی قائل نبوده و بر همین مبنا در مواردی، توجه قانون گذار به جبران خسارات علاوه بر قصاص یا دیه با مخالفت مواجه شده و فقها مانع تصویب این مقررات شده اند. مانند ماده (۴۵۶) لایحه قانون مجازات اسلامی، ۱۳۸۰ و همچنین تبصره (۲) ماده (۱۴) لایحه آیین دادرسی کیفری که با مخالفت شورای نگهبان تصویب نشد.

حقوقدانان نیز در پذیرش یا عدم پذیرش خسارات علاوه بر دیه - با عقاید متفاوتی که در ماهیت دیات دارند - اختلاف دارند؛ برخی (قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۹) (باریکلو، ۱۳۸۲: ۱۳) معتقدند اگر دیه را دارای ماهیت مدنی و جبران خسارت بدانیم؛ با این استدلال که شارع در مقام بیان جبران خسارت به همه زیانها توجه داشته و از پیش بینی جبران بخشی از آن غفلت نکرده، جبران زیانهای علاوه بر دیه را نپذیرفته اند.^۳ برخی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۳۲۲). (صانعی، پرویز، ۱۳۷۱: ۹۴) نیز در تعریف دیه ماهیت کیفری بودن آنرا ذکر

۱. لازم به ذکر است فقهای زیادی از جمله محمدحسین نجفی، شهید ثانی، شیخ مرتضی انصاری، مرحوم نائینی و احمد خوانساری، با این تفسیر از قاعده لاضرر مخالفت کرده اند. برای مطالعه بیشتر ر-ک به: (خوانساری، ۱۴۳۳: منیة الطالب، ج ۳، ص ۴۲۰) (نجفی، ۱۳۷۴، جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۴۰) (شهید ثانی، ۱۴۲۵، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۳، ص ۱۶۱)

۲. در تبصره ۲ ماده ۱۴ لایحه آیین دادرسی کیفری آمده بود: «هزینه های متعارف درمان که مازاد بر میزان دیه باشد مطابق نظر کارشناس یا بر اساس سایر ادله قابل مطالبه است»

۳. در مخالفت با این نظر برخی نویسندگان بیان کرده اند: اگر دیه تنها چهره مدنی داشته باشد با توجه به عمومات لزوم جبران خسارت، باید تقاضای جبران خسارت علاوه بر دیه توسط دادگاه استماع گردد. برای مطالعه بیشتر ر-ک به مرعشی، محمد حسین، دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم، مجله قضایی-حقوقی دادگستری، شماره ۱، ۱۳۷۰.





نموده و اشاره کرده اند که با این باور جبران زیانهای علاوه بر دیه به لحاظ تبعیت از قواعد مسؤلیت مدنی بدیهی است.

عده ای دیگر (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۱: ۶۶-۶۵) با اعتقاد به ماهیت دو گانه، برای دیه از یک سو آنرا واجد جنبه کیفری دانسته و موجب تنبه و بازداشتن از ارتکاب جنایت می دانند و از طرف دیگر آنرا برخوردار از وجهه مدنی دانسته، زیرا به وسیله آن خسارت وارده بر مجنی علیه جبران می شود و این گروه مقدر بودن دیه را مانع جبران زیانهای علاوه بر دیه ندانسته و معتقدند دیه حداقل ضرر ناشی از جنایت بوده که به عنوان مجازات جانی و تشفی خاطر بزه دیده لحاظ شده و جبران سایر خسارت های مازاد را فاقد هر گونه تعارضی با مقدر بودن دیه دانسته اند.

در نقد این نظریات می توان گفت وابسته کردن پاسخ به پذیرش یا عدم پذیرش خسارات علاوه بر دیه به ماهیت کیفری یا مدنی دیه چندان منطقی به نظر نمی آید زیرا به فرض پذیرش ماهیت کیفری دیات، بحث شرعی بودن آن و خاص بودن قواعد دیات نسبت به قواعد مسؤلیت مدنی مطرح است و مانع اظهار نظر صریح در پذیرش خسارات علاوه بر دیه می باشد و در فرض پذیرش ماهیت مدنی ضمن اختلاف در پذیرش یا عدم پذیرش خسارات مازاد- به شرح پیش گفته- همان بحث خاص بودن و شرعی بودن قواعد دیات مطرح است و در فرض پذیرش ماهیت دو گانه دیات نیز علاوه بر ایراد ذکر شده این نقد وارد است که قول به اینکه دیه فرض قانونی بر حداقل خسارات باشد و مازاد از دیه نیاز به اثبات داشته باشد فاقد دلیل است و نمی توان مبنایی بر آن پیدا کرد، بعلاوه اینکه این قول بر خلاف مفاد رأی وحدت رویه شماره ۶۱۹ دیوان عالی کشور است که در سال ۱۳۷۶ صادر شده و جبران زیانهای علاوه بر دیه را نپذیرفته است.

بنابراین تشخیص پذیرش یا عدم پذیرش خسارات علاوه بر دیه، وابسته به تشخیص ماهیت حقوقی دیه نبوده و اصولاً این دو ملازمه ای با هم ندارند. برای تشخیص مواردی که جبران خسارت علاوه بر دیه امکان پذیر است ضمن توجه به تقسیم انجام شده در این پژوهش؛ خسارتهای مالی همراه جنایت، قابل جبران می باشند. خسارتهای ناشی از جنایت که قابل تفکیک از صدمات بر جسم اند و به عبارتی مستقل از آنها هستند و جانی سبب





ایجاد آن است نیز قابل جبران هستند. سایر خسارتهای علاوه بر دیه، اگرچه - براساس موارد پیش گفته - بسیاری از حقوقدانان عقیده به پذیرش جبران آنها دارند ولی وجود اختلافات میان فقها و حقوقدانان و شرعی بودن قصاص و دیه و مقررات فعلی ما، این باور را ایجاد می‌نماید که در وضعیت کنونی این خسارتهای قابلیت جبران ندارند. ضمناً توجه به رویه قضایی پیرامون این موضوع، مهر تأییدیست بر این عقیده، زیرا در محدود مواردی که دادگاههای بدوی حکم به جبران خسارات علاوه بر دیه داده‌اند دادگاه‌های عالی به لحاظ شرعی بودن قصاص یا دیه، ضمن اشاره به عدم پذیرش جبران این خسارات حکم را نقض نموده اند.

اگرچه در قانون دیات راجع به جبران خسارات علاوه بر دیه، حکمی وجود ندارد اما چون به دنبال تطبیق با مقررات بین‌المللی کیفری هستیم باید دانست که در نظام حقوقی ما فعلاً قانونی در این موضوع داریم و آن، بند "الف" ماده (۱) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه، بوده که مقرر داشته: « خسارت بدنی: هر نوع دیه یا ارش ناشی از هر نوع صدمه به بدن مانند شکستگی، نقص و از کار افتادگی عضو اعم از جزئی یا کلی، موقت یا دائم، دیه فوت و هزینه معالجه با رعایت ماده (۳۵) این قانون به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون» و در ماده (۳۵) آمده است: « هزینه‌های معالجه اشخاص ثالث زیان دیده و راننده مسبب حادثه در صورتی که مشمول قانون دیگری نباشد، با لحاظ ماده (۳۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی

موانعی آیات حد و جزایان قرآن تأویل بر زود و حقوق بین‌الملل

۱. نگاه شود به رأی مورخ ۶۶/۱۱/۲۹ شعبه اول دادگاه حقوقی ساری که به موجب رأی شماره ۶۸/۹/۱۴-۱۰۴ دیوانعالی کشور هیأت عمومی (شعب حقوقی) نقض شد. برای مطالعه بیشتر ر-ک به ایت اله سید حسن مرعشی (دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم) مجله حقوقی قضایی دادگستری شماره اول ۱۳۷۰. و ناصر کاتوزیان (ماهیت و قلمرو دیه و زیان ناشی از جرم) مجله کانون و کلا، شماره: ۱۵۹-۱۵۶، ۱۳۷۱-۱۳۷۲.
۲. ماده ۳۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است اقدامات لازم برای درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومان حوادث و سوانح رانندگی در همه واحدهای بهداشتی و درمانی دولتی و غیردولتی و همچنین در مسیر اعزام به مراکز تخصصی و مراجعات ضروری بعدی را به عمل آورد. برای تأمین بخشی از منابع لازم جهت ارائه خدمات تشخیصی و درمانی به این مصدومان، معادل ده درصد (۱۰٪) از حق بیمه پرداختی شخص ثالث، سرنشین و مازاد به‌طور مستقیم طی قبض جداگانه به حساب





دولت‌حسب مورد برعهده بیمه گر مربوط یا صندوق است. « که این قوانین را - اگر چه فقط راجع به حوادث رانندگی است و مبنای قراردادی دارد - باید گامی مؤثر در جهت همراه شدن بر ضرورت جبران خسارات علاوه بر دیه در خسارتهای بدنی دانست.

۲-۳. بررسی مبانی قانونی در جبران خسارات ناشی از جنایت

ورود ضرر و زیان به تمامیت جسمانی اشخاص، در اثر ارتکاب جرم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (قتل، ضرب، جرح و ...) محقق می‌شود چنین زیانهای محدود به آثار مشهود ضرب، جرح یا قتل نبوده بلکه شامل ایجاد بیماری در بدن و زوال منفعتی از منافع شخص نیز می‌گردد. ضمانت اجرای ارتکاب جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص حسب مورد علاوه بر کیفر مقرر در قانون، شامل دیه یا ارش نیز می‌گردد که هدف از این دیه یا ارش جبران ضرر و زیان وارده بر بزه دیده می‌باشد برای بررسی مقررات قانونی که جبران ضرر در جنایات را می‌توان مستند به آنها درخواست کرد لازم است ابتدا از قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین سند قانونی و میثاق ملی، شروع کنیم و چون بنا بر اختصار در مطالب است فقط به دو اصل (۴۰) و (۱۷۱) این قانون اشاره می‌کنیم که بر اساس اصل چهارم سوءاستفاده از حق و ایراد خسارت مادی یا معنوی منع شده و در اصل (۱۷۱) به یک مورد خاص از خسارت مادی یا معنوی ناشی از تصمیم دادگاه اشاره داشته که با الغاء خصوصیت از آن و توجه به این نکته که مفاد این اصل یکی از مصادیق قاعده کلی جبران خسارت یا لاضرر می‌باشد می‌توان چنین گفت که از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی هر نوع خسارت مادی یا معنوی باید به نحو مناسب جبران شود. (درویشی، ۱۳۹۶: ۷۷)

پس از قانون اساسی یکی از مهم‌ترین اسناد قانونی در جبران خسارات؛ قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ است که بر اساس ماده (۵) این قانون چنانچه صدمات جسمی یا لطمه به سلامتی شخص موجب نقص بدنی و مانند آن باشد زیانکار مسؤول جبران همه

درآمدهای اختصاصی نزد خزانه‌داری کل کشور در چهارچوب اعتبارات مصوب بودجه سنواتی به نام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واریز می‌شود .
 ۱. در این قانون چون جبران خسارات علاوه بر دیه جزء مسؤولیت راننده مسبب حادثه نبوده و مبنای آن قرارداد میان بیمه گر و بیمه گذار است با ایرادات شرعی مواجه نیست.





خسارت‌ها تلقی گردیده است. همچنین مواد (۱) و (۲) و (۶) این قانون به صراحت جبران زیانهای مادی و معنوی ناشی از جرائم را بیان کرده که بر اساس این قانون با وجود شرایط سه‌گانه جبران ضرر؛ تمام زیانهای مادی و معنوی باید جبران شوند.

در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز مطابق ماده (۱۴) آن مقرر شده: شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیانهای مادی معنوی و منافع ممکن الحصولی ناشی از جرم را مطالبه کند و در تبصره ی (۲) این ماده پرداخت خسارت معنوی و منافع ممکن الحصول محدود شده و مقرر داشته «مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود».

ماده (۴۵۷) لایحه قانون مجازات اسلامی که در سال ۱۳۸۸ به تصویب کمیسیون قضایی حقوقی رسید و سپس مورد ایراد شورای نگهبان واقع شد نیز یکی از مواد قابل بررسی است. در این لایحه قانون آمده بود: هرگاه هزینه‌های متعارف معالجه مجنی علیه بیش از دیه باشد، علاوه بر دیه خسارت مازاد نیز باید از باب قاعده لاضرر با اخذ نظر کارشناس و با حکم دادگاه تعیین و بدون رعایت مواعد مقرر برای پرداخت دیه، توسط مرتکب پرداخت گردد. در این مورد تفاوتی میان جنایت خطای محض، شبه عمدی و عمدی موجب دیه نیست. شورای نگهبان تصریح نموده که پرداخت خسارت مازاد بر دیه خلاف موازین شرع است. همچنین در تبصره ی (۲) ماده (۱۴) لایحه آئین دادرسی کیفری آمده بود: «هزینه‌های متعارف درمان که مازاد بر میزان دیه باشد مطابق نظر کارشناس یا بر اساس سایر ادله قابل مطالبه است» شورای نگهبان در اظهار نظر خود راجع به این مصوبه در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ به‌طور کلی پرداخت خسارت‌های مازاد بر دیه را خلاف شرع اعلام کرد.

باملاحظه مقررات قانونی به این نتیجه می‌رسیم که حقوقدانان در تلاش برای وضع مقرراتی جهت جبران خسارات علاوه بر دیه بوده لکن شورای نگهبان به لحاظ خلاف شرع بودن این موضوع مانع قانونی شدن این موضوع شده‌اند بعلاوه فعلاً مقررات جاری در قانون مسئولیت مدنی و آئین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی برای صدور حکم به جبران خسارات علاوه بر قصاص و دیات می‌توانند مورد استناد باشند و زمینه لازم را برای





این جبران فراهم می‌کنند. لکن آنچه روشن است این است که رویه قضایی، نتوانسته به این سمت حرکت کند زیرا در موارد معدودی نیز که دادگاه‌های ما اقدام به صدور حکم نموده‌اند دیوان عالی کشور با رد این آراء مانع اجرای هرگونه حکم به خسارت مازاد بر واکنش‌های مقرر شده است.

۲-۴. حمایت از بزه دیدگان غیر مستقیم در جنایات^۱

بزه دیده مستقیم کسی است که بی‌واسطه از رفتار مجرمانه آسیب بدنی، روحی و یا مادی می‌بیند اصطلاح مجنی علیه که در فقه کیفری ما رایج است می‌تواند معادل همان بزه دیده مستقیم باشد، کسانی که از جنایت آسیب می‌بینند ممکن است به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مورد صدمه و خسارات مادی و معنوی واقع شوند.

در خصوص بزه دیدگان مستقیم (مجنی علیه) و جبران ضررهای ناشی از جرم فقها و حقوقدانان بحث و تحلیل و قلم‌فرسایی داشته‌اند اما راجع به بزه دیدگان غیره مستقیم در جنایات بحثی به میان نیامده و پاسخ به این سؤال که آیا خانواده، بستگان و نزدیکان مجنی علیه به عنوان بزه دیدگان غیرمستقیم حق جبران خسارت دارند یا خیر؟ هنوز به صورت قاطع ارائه نشده.

قانونگذار ایران مخصوصاً در مقوله جنایات، گام‌های حمایتی خوبی از بزه دیدگان غیرمستقیم برداشته است بطوریکه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر اساس ماده ۱۰^۲ بزه دیده بطور مطلق تعریف شده است. مطابق این ماده بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متضرر شده یعنی اموال، حقوق مالی و یا تمامیت جسمانی، معنوی و تعادل روحی او به نوعی آسیب دیده است با اطلاق بکار رفته در این ماده باید بپذیریم، بزه دیده مورد نظر قانونگذار اعم از بزه دیده مستقیم و بزه دیده غیرمستقیم است. اگر بزه دیدگان مستقیم را کسانی بدانیم که مستقیماً جرم را تجربه کرده و بدون واسطه از جرم



1. Indirect secondary victim

۲. ماده ۱۰ قانون آ.د.ک: بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.



صدمه می‌بینند، بزه دیدگان غیرمستقیم یا دومین کسانی هستند که هر چند جرم را بطور مستقیم تجربه نکرده اند ولی به واسطه وقوع آن جرم رنج و آسیب های غیر مستقیمی بر آنها وارد شده مانند خانواده درجه یک و دیگر بستگان بزه دیده مستقیم (رایجیان اصلی ۱۳۸۴:۱۹۸)

موانعی آيات جلد در قرآن کریم - رسول - زود در حقوق این عالم

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز تحت تأثیر بزه دیده شناسی حمایتی به ویژه در قسمت جنایات، مواردی از حمایت‌های قانونگذار نسبت به بزه دیدگان غیر مستقیم ذکر شده است که با عناوینی مانند اولیاء دم یا ورثه از آنها نام برده است. بعنوان مثال قانونگذار در ماده (۳۸۱) ق.م.ا به نقش خانواده مجنی علیه، تحت عنوان ولی دم اشاره کرده تا در حمایت آنها، در صورت تقاضا، با وجود شرایط قانونی، قصاص و در صورت عدم حصول شرایط، با اخذ دیه از مرتکب، جبران خسارت بزه دیدگان غیرمستقیم را مد نظر داشته باشد.^۱

مقنن جهت تبیین ولی دم در ماده (۳۵۱) ق.م.ا اشاره داشته: ولی دم همان ورثه مقتول است به جز زوج یا زوجه او که حق قصاص ندارد. در بررسی این ماده دو نکته حائز اهمیت بوده، اول اینکه واژه‌های ولی دم یا ورثه مترادف بوده و همان بزه دیده غیرمستقیم است زیرا ضمن توجه به ماده ی (۳۸۱) ق.م.ا^۲ بدیهی است که مقتول (بزه دیده مستقیم) بعلت خاتمه حیات، حمایت از او و یا جبران خسارت برای او منتفی بوده و آنچه در این قانون حمایت می‌شود همان خانواده و بستگاه مقتول تحت عنوان اولیاء دم یا ورثه

۱. لازم به ذکر است علم بزه دیده شناسی از علوم نوپدید بوده و در قانون ما بزه دیده مستقیم بیشتر تحت عناوینی از قبیل: مجنی علیه (م: ۱۹۰-۵۱۷-۶۱۴-۶۲۱-۶۶۵ ق.م.ا)، مقتول (م: ۵۴۹-۵۵۱ ق.م.ا)، شخص توقیف شده (م ۵۸۵ ق.م.ا) مجبوس شده، مخفی شده (م ۵۸۷ ق.م.ا) (۷۱۴ ق.م.ا) مقدوف (م: ۲۶۰ ق.م.ا) و به جای بزه دیده غیرمستقیم واژه های اولیاء دم و ورثه استعمال شده است. البته برخی این دو را تحت عنوان بزه دیدگان جانشین ذکر کرده اند ولی باید دانست که بزه دیده ناتوی، تبعی و جانشین، همه تحت عنوان بزه دیده غیرمستقیم جای میگیرند. برای مطالعه بیشتر ر- ک به حاجی ده آبادی، احمد، جبران خسارات بزه دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، تهران، سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ص ۱۰۹.

۲. ماده ۳۸۱ ق.م.ا. مقرر داشته: مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر اینصورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد.





می باشند، که این افراد بصورت غیرمستقیم از وقوع قتل مورد آسیب، صدمه و ضرر قرار گرفته اند. دوم اینکه راجع به زوج و زوجه فقط حق قصاص و به تبع آن عفو و یا اجرای آن، از آنها سلب شده، لکن در صورت تبدیل قصاص به دیه - به هر علت - و یا مصالحه آن به دیه، زن و شوهر جزء وراثت بوده و در آن سهم می‌باشند و بدین لحاظ حق تعقیب و شکایت در قصاص از زوجین سلب نشده و " محق نبودن آنها در قصاص، به معنای محق نبودنشان در حق شکات نیست! " عبارتی ذینفع بودن آنها مجوزی است برای آنها تا بعنوان بزه دیده غیرمستقیم، تعقیب و جبران ضرر را دنبال کنند.

همچنین قانونگذار در موردیکه جنایت قتل عمد واقع شده و به دلایلی از قبیل فوت یا فرار امکان دسترسی به مرتکب نباشد و شرایط جبران خسارت اولیاء دم از طریق اموال مرتکب یا عاقله او فراهم نباشد با تکلیف بیت‌المال به پرداخت دیه، اولیاء دم را مورد حمایت قرار داده است (ماده ۴۳۵ ق.م.ا) و مشابه این حمایت از بزه دیده غیرمستقیم در مواد (۴۷۰، ۴۷۴، ۴۸۴، ۴۸۷) ق.م.ا. حتی در فرض عدم شناسایی قاتل، حمایت مالی از بزه دیدگان غیر مستقیم را از طریق بیت المال در نظر داشته است.

قانونگذار در موضوع قسامه، دامنه بزه دیدگان غیرمستقیم را گسترده کرده (رایجیان اصلی، ۱۸:۱۳۸۴) به نحویکه در ماده (۳۳۶) ق.م.ا مقرر داشته: نصاب قسامه در اثبات قتل عمدی، سوگند پنجاه مرد از خویشاوندان و بستگان مدعی است؛ یعنی حق پیگیری و دخالت در اثبات قتل را به تعداد پنجاه نفر از بستگان مرد مدعی اعطا نموده و این دسته از خویشاوندان را جزء بزه دیدگان غیرمستقیم تلقی نموده است. البته این در حالی است که حضور و اقامه قسامه از جانب این تعداد بنا به تقاضای ولی دم و بعنوان دلیل برای اثبات بوده و از طرفی قصاص یا دیه ای که در اثر قسامه ثابت می شود حق اولیاء دم بوده و ارتباطی به سایر سوگند خورندگان در قسامه ندارد لذا باید گفت در بحث قسامه نیز بزه دیدگان غیر مستقیم همان اولیاء دم یا ورثه می باشند.





مقنن در ماده‌ی (۴۲۸) و (۳۶۰) ق.م.ا. نیز صراحتاً بزه دیدگان غیرمستقیم را پوشش حمایتی داده؛ به نحویکه با ایجاد یک نوآوری نسبت به قانون سابق (۱۳۷۰) رضایت مرتکب قتل عمد را در پرداخت دیه به اولیاء دم مقتول زن لازم ندانسته و به صراحت حمایت از بازماندگان مطرح شده است. زیرا همانطوریکه قبلاً نیز بیان کردیم حمایت از بزه دیده واقعی (مستقیم) - که دیگر وجود خارجی ندارد - غیر ممکن است و با اصلاح این ماده در قانون ۱۳۹۲ حرکتی بزه دیده محور در مسیر حمایت از بزه دیده غیرمستقیم که بستگان مجنی علیه می باشد، صورت گرفته است. در بررسی ماده (۴۲۸) ق.م.ا. با عدم تمکن مالی خواهان و مصلحت در اجرای قصاص با درخواست دادستان و تأیید رئیس قوه قضائیه فاضل دیه یا سهم دیگر صاحبان حق قصاص از بیت المال پرداخت می شود که نگرش قانونگذار به حمایت از بزه دیدگان غیرمستقیم بوده است.

در خصوص این موضوع که آیا قانون مجازات اسلامی در بحث جنایات، در جبران خسارتهای معنوی نیز بزه دیده غیرمستقیم را مورد حمایت قرار داده یا خیر؟ باید گفت در قوانین مربوط به قصاص و دیات در این خصوص موردی یافت نشد؛ بعلاوه موضوع جبران خسارت علاوه بر دیه راجع به بزه دیده مستقیم همچنان به لحاظ ابهام قانون، بحث برانگیز است و در چنین شرایطی توسعه بحث راجع به بزه دیده غیرمستقیم فایده ای نخواهد داشت؛ با این وجود، در جنایت علیه شخصیت معنوی افراد ماده ی (۲۶۰) ق.م.ا. مقرر داشته: "حد قذف اگر اجرا نشده و مقذوف نیز گذشت نکرده باشد به همه ورثه به غیرهمسر منتقل می گردد و هریک از ورثه می توانند تعقیب و اجرای آن را مطالبه کنند." بدیهی است رویکرد قانونگذار در این ماده نیز حمایت از بزه دیدگان غیر مستقیمی است که در اثر قذف مورث آنها، لطمه روحی و معنوی به آنها وارد شده است.

به نظر می رسد قانون جدید آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی با پذیرش حمایت مادی و معنوی از بزه دیده غیرمستقیم در جنایات علیه اشخاص حرکت‌های نوینی آغاز کرده و در زمینه توجه به بزه دیدگان غیرمستقیم از قانون قبلی متریقی تر بوده هرچند





وضعیت فعلی حمایت از بزه دیده غیرمستقیم در قانون مجازات اسلامی اختصاص به مواردی دارد که بزه دیده مستقیم در اثر جنایت و یا به علت دیگری در جهان هستی وجود ندارد و موردی که با وجود بزه دیده مستقیم حمایت از بزه دیده غیرمستقیم و جبران خسارات او را ذکر نموده باشد یافت نشده است؛ در حالیکه ضرورت جبران ضررهای ناشی از جرم در جامعه اقتضا می کند تا مقنن سوای موارد ذکر شده، در سایر موارد از جنایات‌ها نیز حمایت از بزه دیده غیر مستقیم را تثبیت کرده و قواعدی برای نظم بخشی بر آنها وضع کند تا محدوده و قلمروی بر تعیین بزه دیده غیرمستقیم تعیین و در آن محدوده بزه دیده را مورد حمایت در جبران خسارت قرار دهیم.

۳. جبران خسارت ناشی از جنایات در حقوق بین الملل کیفری

از منظر تاریخی دادگاه‌های اختصاصی توجه چندانی به مسأله ی حمایت از قربانیان جنایات بین المللی نداشتند. قربانیان به مثابه شاهد تلقی می شدند و این حداکثر حمایتی بود که از قربانیان بعمل می آمد. مساعدتی که قربانیان به عنوان شاهد دریافت می کردند به هیچ وجه مستقیماً با صدمه وارده مرتبط نبود. عدالت کیفری بین المللی تا مدت‌های زیادی اساساً متهم محور تلقی می شد. بر اساس این رویکرد، رسالت دادگاه‌های بین المللی کیفری صرفاً محاکمه و مجازات مجرمان بود. انتقادات وارده بر این شیوه سبب شد تا «در دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (دادگاه یوگسلاوی) و دادگاه بین المللی کیفری برای رواندا (دادگاه رواندا) واحدهای اختصاصی تأسیس گردد». (Witnesses, (2009) اغراق نیست اگر گفته شود قربانیان ضلع فراموش شده رسیدگی‌های بین المللی کیفری تا قبل از تشکیل دیوان بین المللی کیفری بود.

در دهه ۹۰ الگوی بکار رفته در رویه دادگاه‌های بین المللی کیفری اختصاصی مورد انتقاد قرار گرفت. حمایت از شهود قربانی صرفاً تا زمان مرحله ادای شهادت بود. بعد از ادای شهادت این حمایت‌ها قطع می شد. بنابراین، اولاً دردها و ضررهای وارده بر قربانیان





جبران نشده باقی می ماند و ثانیاً بعد از ادای شهادت این قربانیان به فراموشی سپرده می شدند. به طور کلی تر، انجمن های قربانیان در یوگسلاوی سابق و مشخصاً در روآندا، خواستار ادغام عنصر جبرانی در عدالت کیفری بین المللی بودند. تقریباً در همان زمان، این دادگاه های بین المللی با بحران مشروعیت مواجه شدند. در این بین، بحث تمرکز بر قربانیان بیشتر مورد توجه قرار گرفت. دادگاه روآندا، از جمله تلاش کرد تا با ارائه مساعدت محدود به سازمان های غیردولتی قربانی محور به این سمت حرکت کند. (Peace Village for Rwandan Genocide Survivors in Construction, 2000) با این حال، این تلاش - ها به نتیجه نرسید.

محدودیت های الگویی که تنها به قربانیان به دلایل ابزاری علاقه مند بود در دهه ۹۰ پدیدار شد. شهود قربانی وقتی که مساعدت مالی یا روانی مورد نیازشان بعد از ادای شهادت قطع می شد، سردرگم بودند. به طور کلی تر، انجمن های قربانیان در یوگسلاوی سابق و مشخصاً در روآندا، خواستار ادغام عنصر جبرانی در عدالت کیفری بین المللی بودند. تقریباً در همان زمان، این دادگاه های بین المللی با بحران مشروعیت مواجه شدند. در این بین، بحث تمرکز بر قربانیان بیشتر مورد توجه قرار گرفت. دادگاه روآندا، از جمله تلاش کرد تا با ارائه مساعدت محدود به سازمان های غیر دولتی قربانی محور به این سمت حرکت کند. (Peace Village for Rwandan Genocide Survivors in Construction, 2000) با این حال، این تلاش ها به نتیجه نرسید.

کنفرانس رم در سال ۱۹۹۸ را می توان نقطه عطف تغییر چشمگیری در قبال حمایت از قربانیان جنایات بین المللی دانست. (Fischer, 2003:195- 197) این تغییر را می توان در دو حوزه بررسی کرد: حوزه اول این که اساسنامه رم برای نخستین بار در تاریخ عدالت کیفری بین المللی اصل مشارکت قربانی را «در جایی که زیانی علیه منافع شخصی قربانی





وارد شده» اعلام می کند. در هر مرحله ای که این منافع وجود داشته باشند، قربانیان می-توانند به عنوان «مشارکت کننده» مداخله نمایند.^۲ حوزه دوم این که برای نخستین بار در چارچوب اساسنامه رم رژیم پرداخت غرامت به قربانی پدیدار شد. " مفهوم حق شخص بر دریافت غرامت با اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به سال ۱۹۸۵ وارد حقوق بین الملل شد امروزه این مفهوم مورد پذیرش قرار گرفته که قربانیان جنایات بین المللی می توانند مطالبه غرامت کنند" (سادات اسدی، ۱۳۸۸: ۷۵-۷۴).

صندوق امانی قربانیان، که در اساسنامه رم پیش بینی شده (ماده ۷۵ اساسنامه) کاملاً جدید و منحصر به فرد است به این معنا که تمام عناصر متفاوت موجود در طرح های پرداخت غرامت به قربانیان را با هم تلفیق نماید. اول این که، این رژیم یک عنصر جبرانی قوی دارد که متأثر از ماهیت قضایی بنیادین آن می باشد. دیوان در صورتی حکم به جبران خسارت می دهد که متهم مجرم شناخته شود.^۳ جبران خسارت ها معمولاً تا حد زیادی از طریق جریمه ها، ضبط اموال و صدور احکام جبران خسارت علیه محکوم علیه توسط دیوان تأمین می شوند.^۴ دوم این که، جبران خسارت ها به دادگاه های داخلی برون سپاری نمی-شوند بلکه تا حدود بسیار زیادی در اختیار خود دیوان است.^۵ در خصوص ماهیت اساسی جبران خسارت ها در دیوان تردید اندکی وجود دارد. حکم علیه متهم و به نفع قربانی با هدف جبران خسارت ناشی از صدمه وارده صادر می شود. می توان گفت «مقررات اساسنامه دیوان، گویای پذیرش آسیب های متفاوت ناشی از جرم و کوشش در جهت ترمیم این آسیب ها به شیوه مناسب می باشد.» (لسانی و دیرباز، ۱۳۹۲: ۱۷۴)



۱. اساسنامه رم، بند ۳ ماده ۶۸.
 ۲. همان، بند ۳ ماده ۱۵، بند ۳ ماده ۱۹، شق ج بند ۱ ماده ۵۳، شق ج بند ۲ ماده ۵۳، بند ۴ ماده ۶۵ و بند ۳ ماده ۶۸.
 ۳. همان، بند ۲ ماده ۷۵ و آیین دادرسی دیوان بین المللی کیفری، مواد ۹۴ تا ۹۹.
 ۴. مقررات صندوق امانی قربانیان، بند ۲۱.
 ۵. اساسنامه رم، ماده ۷۵.



مهم ترین نقش در حمایت از قربانیان و جبران خسارت وارده به قربانیان جنایات بین - المللی را صندوق امانی قربانیان بر عهده دارد. صندوق امانی به عنوان مجری احکام دیوان عمل می کند. لازم است تا هنگام تعیین ماهیت و یا میزان جبران خسارت عوامل متعددی از قبیل ماهیت جرم و صدمات خاص وارده به قربانیان در نظر گرفته شود.^۲ هیأت مدیره صندوق باید یک طرح اجرایی را تحت نظارت شعبه ذیربط طراحی نماید.^۳ در عمل دیوان نمی تواند ناظر جزئیات هر حکم جبران خسارت باشد و صندوق عمدتاً برای احکام جمعی طراحی شده است. به این ترتیب، صندوق بیشتر بر مبنای منطق مضیق جبران خسارت تحت نظارت قضایی دقیق عمل می کند.

همچنین صندوق امانی وجوه داوطلبانه ای را از دولت ها، سازمان های بین الدولی و غیردولتی دریافت می کند.^۴ از نظر شعبه مقدماتی دیوان وظیفه صندوق امانی ابتدائاً عبارت است از تضمین وجود وجوه کافی برای اجرای دستور دیوان به جبران خسارت بر طبق ماده ۷۵ اساسنامه این تصمیم که به درستی مورد بازبینی قرار گرفت، (Dannenbaum, 2010:247) به نظر می رسد با برداشت صندوق از نقش خود در تناقض باشد و می تواند در رویه بعدی مورد اعتراض قرار بگیرد.

بنابر آیین دادرسی، منابع صندوق را می توان برای بازتوانی فیزیکی یا روانی قربانیان و خانواده هایشان بکار گرفت.^۵ در حالی که نقش دیوان در رابطه با جبران خسارت کاملاً واضح است، نقش صندوق امانی پیچیده تر است. تردیدی نیست که دو مدلی که صندوق می تواند حمایت کند با هم در تناقض هستند؛ یک مدل مبتنی بر جبران خسارت است و

۱. آیین دادرسی دیوان، ماده ۹۸.

۲. مقررات صندوق امانی قربانیان، بند ۵۵.

۳. همان، بند ۵۷.

۴. همان، بند ۵.

۵. مقررات صندوق امانی قربانیان، بند ۵۶.

۶. مقررات صندوق امانی قربانیان، جزء ۱ شق الف بند ۵۰.





دیگری مبتنی بر مساعدت؛ یکی نگاهش به گذشته است و مجرمیت محور است و دیگری نگاهش به جلو و نیاز محور است.

۳-۱. قربانیان غیره مستقیم

جبران خسارت منحصر به بزه دیدگان مستقیم نبوده بلکه قربانیان غیرمستقیم نیز مشمول جبران خسارت هستند مطابق ماده ۲ کنوانسیون اروپایی خسارت زدایی از قربانیان جرائم خشونت آمیز جبران خسارت قربانیان این جرائم شامل قربانیان غیرمستقیم نیز می شود در بند (۱) این ماده آمده:

۱- وقتی که ترمیم کامل خسارت از طریق سایر منابع، قابل دسترسی نباشد دولت باید در جبران خسارت نسبت به افراد ذیل مشارکت نماید:

الف: کسانی که متحمل صدمه بدنی شدید شده اند و یا سلامتی آنان، مستقیماً بر اثر یک جرم عمدی خشونت بار آسیب دیده باشد.

ب: وابستگان (تحت نفقه) اشخاصی که در نتیجه چنین جرائمی فوت شده باشند.

همچنین بر اساس ماده ی (۲) «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵، واژه بزه دیده به تناسب شامل خانواده درجه یک و سایر بستگان بزه دیده مستقیم و اشخاصی که در جریان کمک به بزه دیدگان مصیبت دیده و یا در جریان کمک به پیشگیری از بزه دیدگی، آسیب دیده اند نیز می شود. بعلاوه بر اساس ماده (۷۵) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، دیوان راجع به پرداخت غرامت به قربانیان یا در ارتباط با آنان اصولی را مقرر خواهد کرد. بر این مبنا دیوان می تواند در شرایط خاصی رأساً و یا به درخواست ذی نفع در رأی خود حدود و میزان آسیب، نقص یا صدمه وارده به قربانیان یا اشخاص مرتبط با آنان را معین نماید و پاراگراف دوم به صدور قرار برای تعیین نحوه جبران خسارت از طریق اعاده وضعیت، جبران خسارت و ترمیم اشاره می کند که به قربانیان یا در ارتباط با آنان اشاره کرد. «در ارتباط با آنان» منظور حمایت از بزه دیدگان غیر مستقیم است که می توانند جبران خسارت را مطالبه نمایند.





بنابراین در مقررات بین‌المللی با صراحت هر چه بیشتر حمایت از بزه دیدگان غیرمستقیم در جبران انواع ضررهای ناشی از جرم-فارغ از زنده بودن یا نبودن بزه دیده مستقیم- مورد اشاره قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

آسیب‌های جسمی، موجب از دست دادن سرمایه‌های مختلف مادی و معنوی است. بر اساس منابع معتبر فقهی و قاعده لاضرر و عسر و حرج و اصول چهل و یک، صد و هفتاد و یک قانون اساسی و موادی از قانون مسئولیت مدنی و قانون آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی هرگونه خسارت مادی و معنوی نباید بلا تدارک بماند. دکتترین حقوقی، به این سمت تمایل داشته ولی ابهام در قوانین ما باعث عدم پذیرش این جبران در خسارات علاوه بر قصاص یا دیه در رویه قضایی ما شده است.

نحوه جبران خسارت در جنایات در ایران نوع خاصی از جبران است؛ خسارت‌های همراه جنایت که مستقل از صدمه بدنی یا صدمه به نفس باشند و همچنین خسارت‌های که در اثر جنایت حادث می‌شوند و منفک و مستقل از صدمه به نفس، جسم یا منفعت باشند؛ را می‌توان به شرط احراز استناد آنها به جانی، علاوه بر قصاص یا دیه قابل جبران دانست؛ زیرا در این موارد خسارت‌ها مستقل از آسیب جسمی و نفسانی، بوده و از تعدد خسارت تعدد ضمان را می‌توان ثابت کرد.

با توجه به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و مقررات دادگاه‌های بین‌المللی موقت و کنوانسیون‌های بین‌المللی که در پژوهش به آنها اشاره شده حقوق بین‌الملل کیفری جبران زیانهای مادی و معنوی ناشی از جنایات را پذیرفته است.

در حقوق کیفری ایران و هم در حقوق بین‌المللی کیفری حمایت از بزه دیده غیرمستقیم در جبران خسارات ناشی از جنایات مورد توجه بوده؛ اما در ایران صرفاً در مواردی که بزه دیده مستقیم در اثر جنایت یا به هر علت دیگری فوت نموده حمایت از بزه دیده غیرمستقیم انجام شده و در موارد زنده بودن بزه دیده اصلی این حمایت با ابهام مواجه





است و رویه قضایی ما هم ساکت است؛ در صورتیکه در حقوق بین‌المللی کیفری قلمرو این حمایت وسیعتر بوده و بستگان و خانواده‌های بزه دیده مستقیم، همراه او از حمایت در جبران برخوردار می‌شوند.

با توجه به امکان الحاق ایران به اساسنامه رم، و اینکه الحاق، مستلزم ایجاد اصلاحاتی برای رفع تعارض میان اساسنامه دیوان و قانون اساسی کشور است؛ در فرض الحاق، جهت توانمند شدن محاکم داخلی و جلوگیری از اعمال صلاحیت تکمیلی دیوان، ایجاد تغییر در مقررات جبران خسارات ناشی از جنایات ضروری می‌باشد، زیرا دیوان بین‌المللی در مواردی که محاکم داخلی نتوانند یا نخواهند که موضوع را تحت پیگرد قرار دهند اعمال صلاحیت می‌نماید و یکی از موارد عدم توان محاکم، فقدان قانون صریح و لازم راجع به موضوع است.

فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب - سال ششم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۸

منابع:

- (۱) آخوند خراسانی، محمد، ۱۳۸۰ش، کفایه الاصول، تهران، نشر اسلامی.
- (۲) آزمایش، علی، ۱۳۵۶ش، زمینه‌های حقوق جزایی بین‌المللی در قانون‌گذاری ایران»، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، ش ۳.
- (۳) اسدی، لیلاداد، ۱۳۸۸ش، «جبران خسارات ناشی از جرم در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی دادگستری
- (۴) اصفهانی، راغب، ۱۳۶۹ش، مفردات، تهران، انتشارات مرتضوی، ج ۱، ج ۳.
- (۵) امامی، سید حسن، ۱۳۶۸ش، حقوق مدنی، تهران، نشر اسلامی، ج ۷، ج ۱.
- (۶) انصاری، مسعود و طاهری نیا، محمد علی، ۱۳۸۶ش، مجموعه دانشنامه حقوق خصوصی، انتشارات محراب فکر، ج ۲، ج ۲.
- (۷) بابایی، ایرج، ۱۳۸۱ش، شرایط خسارت قابل جبران، کار تحقیقاتی در دانشگاه علامه طباطبایی .
- (۸) باریکلو، علیرضا، ۱۳۸۵ش، مسؤولیت مدنی، تهران، انتشارات میزان.





- (۹) بندر ریگی، محمد، ۱۳۶۲ش، فرهنگ عربی به فارسی، تهران، انتشارات اسلامی.
- (۱۰) بهرامی احمدی، حمید، ۱۳۷۷ش، سوء استفاده از حق، تهران، مؤسسه اطلاعات.
- (۱۱) پورباقرانی، حسن، ۱۳۸۷ش، حقوق جزای بین الملل، انتشارات جنگل، چ ۱.
- (۱۲) جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۵ش، دانشنامه حقوق، تهران، نشر امیرکبیر، چ ۵، ج ۵.
- (۱۳) -----، ۱۳۸۰ش، ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر دادگستر، چ ۷، ج ۴.
- (۱۴) جوهری، ابونصر اسماعیل بن جماد، بی تا، صحاح اللغه، نسخه خطی، نسخه اینترنتی.
- (۱۵) حاجی ده آبادی، احمد، ۱۳۸۷ش، جبران خسارات بزه دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، تهران، سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- (۱۶) درویشی، عباس، ۱۳۹۶ش، جبران خسارت حاصله از جرم، «بیجا»، نشر قانون یار، چ ۱.
- (۱۷) دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲ش، لغت نامه، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- (۱۸) ره پیک، حسن، ۱۳۸۸ش، حقوق مسؤولیت مدنی و جبرانها، تهران، انتشارات خرسندی، چ ۵.
- (۱۹) شبث، ویلیام، ۱۳۸۴ش، مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی؛ مترجم: سید باقر میر عباسی، تهران، انتشارات جنگل، چ ۱.
- (۲۰) شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۰ق، شرح اللمعه، قم، نشر داوودی، ج ۱۰.
- (۲۱) شیخ انصاری، مرتضی، ۱۴۱۹ق، المکاسب، «بیجا» چ ۱، ج ۴.
- (۲۲) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، ۱۳۶۵ش، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ج ۱۰.





- ۲۳) صادقی، محمدهادی، ۱۳۹۵ش، جبران خسارت درجنایات، تهران، نشر میزان، چ ۱.
- ۲۴) صانعی، پرویز، ۱۳۷۱ش، حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، چ ۴، ج ۲.
- ۲۵) صفایی، حسین و رحیمی، حبیب اله، ۱۳۸۹ش، مسؤولیت مدنی، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۶) الطریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۴۰۸ق، مجمع البحرین، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اسلامی، چ ۳، ج ۱ و ۲.
- ۲۷) قاسم زاده، مرتضی، ۱۳۸۸ش، الزامها و مسؤولیت مدنی بدون قرارداد، تهران، انتشارات میزان، چ ۸.
- ۲۸) قریشی، علی اکبر، ۱۳۷۶ش، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۷، ج ۳.
- ۲۹) کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۰ش، حقوق مدنی، ضمان قهری، مسؤولیت مدنی، تهران، نشر دادگستر، چ ۴.
- ۳۰) -----، ۱۳۸۵ش، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، مسؤولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۵.
- ۳۱) -----، ۱۳۸۸ش، وقایع حقوقی-مسؤولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۱.
- ۳۲) -----، ۱۳۸۹ش، «ماهیت و قلمرو دیه، زیان ناشی از جرم»، مجله کانون وکلاء، ش ۱۵۷-۱۵۶.
- ۳۳) کلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷ش، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۳، ج ۷.
- ۳۴) کینی شیایزری، کریانگسانک، ۱۳۸۳ش، حقوق بین المللی کیفری؛ ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران، انتشارات سمت، چ ۱.





- (۳۵) لسانی، حسام الدین و مرضیه دیرباز، ۱۳۹۰ش، حمایت های مادی دیوان بین المللی کیفری از بزه دیدگان، آموزه های حقوق کیفری، دوره جدید، ش ۲.
- (۳۶) مدرسی، علی اصغر، ۱۳۷۰ش، معنی لاضرر و لا ضرار، کانون وکلاء دادگستری، آذربایجان، تبریز.
- (۳۷) مرعشی، محمد حسین، ۱۳۷۰ش، دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم، مجله قضایی - حقوقی دادگستری، ش ۱.
- (۳۸) معصومی، غلامرضا، ۱۳۹۶ش، خطاهای قضات (ماهیت، مصادیق و راهکارهای جبران)، تهران، میراث فرهیختگان.
- (۳۹) مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۰ق، قواعد الفقهیه، چ ۲، ج ۱.
- (۴۰) -----، ۱۴۲۹ق، مسائل معاصر فقه القضاء، قم، مدرسه الامام علی ابن ابیطالب، چ ۱.
- (۴۱) موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۴۰۴ق، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۲.
- (۴۲) موسوی خویی، ابوالقاسم، ۱۹۷۶م، مبانی تکملة المنهاج، نجف، مطبعه الاداب.
- (۴۳) مؤمنی، مهدی، ۱۳۹۰ش، مبانی حقوق جزای بین الملل ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوق شهر دانش، چ ۷.
- (۴۴) میرمحمد صادقی، حسین، ۱۳۹۰ش، حقوق جزای بین الملل، تهران، نشر میزان، چ ۴.
- (۴۵) -----، ۱۳۹۳ش، دادگاه کیفری بین المللی، تهران، انتشارات دادگستری، چ ۸.
- (۴۶) نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، کتاب الدیات، تهران، المکتبه الاسلامیه، ج ۴۲.



- 47) Dannenbaum, Tom,(2010), the International Criminal Court, Article 79, and Transitional Justice: The Case for an Independent Trust Fund for Victims, 28 WIS. INT'L L.J.
- 48) Fischer, Peter G., The Victims',(2003), Trust Fund of the International Criminal Court—Formation of a Functional Reparations Scheme, 17 EMORY INT'L L. REV.
- 49) Peace Village for Rwandan Genocide Survivors in Construction, AFROL NEWS (Sept. 27, 2000), <http://www.afrol.com/html/News/rwa008_victim_initiative.htm>. (last visit 02 July 2017).
- 50) Rules of Procedure and Evidence of International Criminal Court, available at www.icc-pci.int
- 51) Rules of Procedure and Evidence of International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia available at: www.icty.org
- 52) Wemmers 'Jo-Anne 'reparation and international criminal court 'meeting the needs of victims –reportof the workshop held January 28 the 2006 organizedrestorative justice'internationalcenter for comparative criminology university of Montréal.
- 53) Witnesses, International Criminal Tribunal For the Former Yugoslavia,<<http://www.icty.org/sid/158>> (last visit 02 July 2017)

